

باسمه تعالی

نام درس: نگارش خلاق

نام استاد: دکتر اختیار بخشی

وضعیت درس: عملی

تعداد واحد درس: ۱ واحد

رشته: آموزش ابتدایی

ورودی: بهمن ۱۳۹۷

تعداد دانشجو: ۳۳ نفر

دانشگاه فرهنگیان اردبیل - آزادگان نیر

جلسه: یکشنبه ۷ اردیبهشت ۱۳۹۹

توضیح:

این محتوای آموزشی برای کار عملی نقد و تحلیل داستان که متن پی دی اف آن را قبلا در اختیارتان گذاشتیم، مناسب است. لازم به ذکر است که از این مقاله سوال امتحانی داده نمی شود و ارائه آن به دانشجو معلمانی که با اینجانب درس نگارش خلاق دارند، فقط برای استفاده آن برای نقد و تحلیل بهتر و علمی تر داستان است. بخشی

عناصر داستان به زبان ساده - جمال میرصادقی

سیاهه‌ای از واژه‌هایی که بر عناصر کلیدی سازنده‌ی داستان دلالت دارند و یا از مفاهیم مرتبط با این عناصر حکایت دارند که در درک عمل داستانی نقش محوری دارند. جمال میرصادقی شرحی همه فهم و ساده در اختیار ما قرار داده تا اگر در باره یک داستان حرف می‌زنیم بدانیم چگونه و با استفاده از چه واژه‌هایی دریافت خود را بازگو کنیم و از سوی دیگر اگر خواننده نقد یک اثر داستانی هستیم، با استفاده از همین واژه‌ها که بر عناصر و المان‌های درون متنی اثر اشاره دارند، سر از حرفه‌ای منتقد محترم در آوریم. خلاصه اینها مجموعه‌ای از کلیدی‌ترین لغات حوزه‌ی داستان‌نویسی‌ست، لغاتی که هر خواننده حرفه‌ای باید به آنها آگاهی و اشراف داشته باشد و خواننده‌های غیر حرفه‌ای هم اگر بدانند، مطمئناً ضرر نخواهند کرد.

انگیزه Motivation

در ادبیات، علت‌های روانشناختی را که برای اعمال شخصیت یا شخصیت‌های داستان، نمایشنامه و فیلم‌نامه داده می‌شود، انگیزه می‌گویند.

بازگشت به گذشته Flash Back

بازگشت به گذشته، شگردی است که نویسنده از طریق آن، صحنه‌ها یا حوادثی را که پیش از این اتفاق افتاده، ارائه می‌دهد. این اصلاح از فیلم گرفته شده و به وسیله آن

نویسنده با جهشی ناگهانی به زمان گذشته، حادثه یا صحنه‌ای را که قبلاً در رمان یا نمایشنامه روی داده است، نشان می‌دهد.

بافت Texture

مجموعه عناصر تشکیل‌دهنده اثر ادبی را بافت می‌نامند. این عناصر جدا از موضوع و مضمون اثر است و شامل تصویرپردازی، استعاره، فضا و رنگ، لحن، ضرباهنگ و... است. بافت می‌تواند حاصل ترکیب کلماتی باشد که در اثر به کار گرفته شده، مثلاً کلمات می‌توانند ثقیل یا نرم یا خشن باشند. هر اثری ممکن است دارای بافتی «لطیف»، «محکم»، «سست» یا «روان» باشد.

بحران Crisis

بحران وقتی است که نیروهای متقابل برای آخرین بار با هم تلاقی می‌کند و عمل داستانی را به نقطه اوج یا بزنگاه می‌کشاند و موجب دگرگونی زندگی شخصیت یا شخصیت‌های داستان می‌شود و تغییری قطعی در عمل داستانی به وجود می‌آورد. این تغییر می‌تواند در جهت بهتر یا بدتر شدن وضع و موقع شخصی باشد و کار و عملی را متوقف یا متحول کند. در زمان و نمایشنامه ممکن است بیش از یک بار بحران پیش آید و هر بحرانی بزنگاهی را به وجود آورد؛ درواقع بزنگاه یا نقطه اوج همیشه بر اثر بحران ایجاد می‌شود. بحران از عناصر ساختاری و ضروری پیرنگ است.

بزنگاه: رجوع کنید به نقطه اوج

تخیل Imagination

تخیل، انعکاس تجارب گذشته است که مصالح موجود را تغییر می‌دهد و براساس آن‌ها، آثار خلاقه جدیدی به وجود می‌آورد که هم محصول فعالیت خلاق ذهن انسان هستند و هم نتیجه پیش‌نمونه‌آیی که این فعالیت بر پایه آن‌ها استوار است.

بن‌مایه Motif; Motive

بن‌مایه، درونمایه، اندیشه، موضوع یا عناصر دیگری است که در اثری ادبی تکرار می‌شود. بن‌مایه دقیقاً متکی به تأثیر حاکمی است که اثر را در جهت هماهنگی و یکپارچگی پیش می‌برد.

پیرنگ Plot

پیرنگ، نقشه، طرح یا الگوی حوادث در داستان و چونی و چرایی حوادث را در داستان نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، پیرنگ حوادث را در داستان چنان تنظیم و ترکیب می‌کند که در نظر خواننده منطقی جلوه کند. از این نظر، پیرنگ فقط ترتیب و توالی حوادث نیست، بلکه مجموعه سازمان‌یافته حوادث یا وقایع است؛ در حقیقت پیرنگ نقل حوادث است با تکیه بر روابط علت و معلولی در هر اثر ادبی که نشان می‌دهد هر حادثه به چه دلیل اتفاق افتاده و بعد از آن نیز چه حوادثی و به چه دلیل اتفاق می‌افتد. بدین معنا که پیرنگ وابستگی موجود میان حوادث داستان را به‌طور عقلانی تنظیم می‌کند و ضابطه‌ای است که نویسنده بر اساس آن وقایع را نظم می‌دهد.

تک‌گویی Monologue

تک‌گویی، صحبت یک نفره‌ای است که ممکن است مخاطب داشته باشد یا نداشته باشد و یا از این نظر، تک‌گویی انواع گوناگونی دارد و از آن جمله است تک‌گویی درونی، تک‌گویی نمایشی و حدیث نفس.

تک‌گویی درونی Interior Monologue

تک‌گویی درونی، گفت‌وگویی است که در ذهن شخصیت داستان جریان دارد. اساس تک‌گویی درونی بر تداعی معانی است. به کمک تک‌گویی درونی خواننده به‌طور غیرمستقیم در جریان افکار شخصیت داستان قرار می‌گیرد و سیر اندیشه‌های او را دنبال می‌کند. اگر صحبت‌کننده، به محیط دور و بر حاضر خود واکنش نشان بدهد، تک‌گویی درونی او، داستانی را تعریف می‌کند که در همان موقع در اطراف او

می‌گذرد. اگر افکار او، بر محور خاطره‌هایی می‌گذرد، تک‌گویی او بعضی از حوادث گذشته را که با زمان حال تداعی می‌شود، مرور می‌کند. دست آخر اگر تک‌گویی او، اساساً واکنشی است، سیر اندیشه صحبت‌کننده، نه زمان حال را گزارش می‌کند و نه یادآور زمان گذشته داستان است، تک‌گویی درونی داستانی برای خودش با زمان نامشخص است.

تک‌گویی نمایشی Dramatic Monologue

تک‌گویی نمایشی، یکی از شیوه‌های نقل داستان کوتاه و رمان است. در شعر نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد و در نمایشنامه به تک‌گویی معروف است. در تک‌گویی نمایشی، شخصیت داستان مثل این است که با صدای بلند برای مخاطبی که خواننده او را نمی‌شناسد، حرف می‌زند و برای حرف زدن خود دلیلی دارد و راوی مانند بازیگری روی صحنه تئاتر، تماشاچی را مخاطب قرار می‌دهد. از طریق حرف‌های اوست که خواننده به وضعیت و موقعیت او و آنچه بر او گذشته، آگاهی می‌یابد و تا حدودی به هویت مخاطب او نیز پی می‌برد. وجود همین مخاطب، باعث تمایز، تک‌گویی نمایشی از تک‌گویی درونی می‌شود.

تم: رجوع کنید به درونمایه

توصیف Description

توصیف، نوعی از بیان است که با تأثیری که دنیا بر حواس ما می‌گذارد، مربوط می‌شود. توصیف کیفیت اشیاء، اشخاص، اوضاع و احوال و اعمال و رفتار را ارائه می‌دهد. هدف توصیف القای تصویر و تجسم موضوع است به همان‌گونه که در وهله اول به چشم ناظر می‌آید.

تمثیل Allegory

تمثیل، نوعی تصویرنگاری است که در آن مفاهیم و مقاصد اخلاقی از پیش‌شناخته‌شده‌ای از روی قصد به اشخاص، اشیا و حوادث منتقل می‌شود.

توصیف Description

توصیف، نوعی از بیان است که با تأثیری که دنیا بر حواس ما می‌گذارد، مربوط می‌شود. توصیف کیفیت اشیاء، اشخاص، اوضاع و احوال و اعمال و رفتار را ارائه می‌دهد. هدف توصیف القای تصویر و تجسم موضوع است به همان‌گونه که در وهله اول به چشم ناظر می‌آید.

تکنیک (جنبه فنی) Technique

جنبه فنی یا تکنیک، همه روش‌ها و تمهیداتی است که نویسنده برای ایجاد ساختار ادبی داستان به کار می‌گیرد که شامل تنظیم پیرنگ، مفاهیم شخصیت‌پردازی، برقراری و اداره زاویه دید، کاربرد صحنه، ایجاد فضا و رنگ، بهره‌گیری از گفت‌وگو، ابداع شیوه‌های تمثیل یا نماد و سبک است.

حالت تعلیق: رجوع کنید به هول و ولا Verisimilitude

جریان سیال ذهن Stream of Consciouness

جریان سیال ذهن، به کل حوزه آگاهی و واکنش عاطفی روانی فرد گفته می‌شود که از پایین‌ترین سطح یعنی سطح پیش تکلمی آغاز می‌شود و به بالاترین سطح که سطح کاملاً مجزای تفکر منطقی است، می‌انجامد. فرض بر این است که در ذهن فرد، در لحظه‌ای معین آمیخته‌ای از تمام سطح‌های آگاهی، سیر بی‌پایان احساسات، افکار، خاطره‌ها، تداعی معانی و انعکاس به وجود آید تا آنچه را «جریان سیال ذهن» می‌نامد، پدید آورد. اگر قرار باشد محتوای دقیق ذهن را در هر لحظه توصیف کنیم به ناچار باید این عوامل گوناگون، بی‌ارتباط با هم و غیرمنطقی در طی کلمات، تصورات و افکار بیان شوند، همان‌گونه که سیر بی‌نظم فکر چنین است.

حادثه استقلال یافته Episode

حادثه استقلال یافته، بخشی از داستان است که به خودی خود کامل است اما منطقی درونی آن را به بخش‌های دیگر پیوند می‌دهد و الگوی حوادث داستان را به وجود می‌آورد.

درونمایه؛ مضمون Theme

درونمایه یا مضمون، فکر اصلی و مسلط در هر اثری است، خط یا رشته‌ای که در خلال اثر کشیده می‌شود و عناصر آن را به یکدیگر پیوند می‌دهد؛ به بیانی دیگر، درونمایه را به عنوان فکر و اندیشه حاکمی تعریف کرده‌اند که نویسنده در داستان اعمال می‌کند. درونمایه تمام عناصر داستان را انتخاب می‌کند. این عناصر عبارتند از «موضوع»، «شخصیت‌ها»، «عمل» و نتیجه حاصل از «کشمکش» و هر چیز دیگری که نویسنده برای عرضه‌داشت کل معنا و ساختار داستانش به کار می‌گیرد.

راوی: رجوع کنید به روایت

روایت؛ راوی Narration; Narrator

روایت، نقل وقایع است به صورتی که ارتباطی میان مجموعه‌ای از آن‌ها برقرار باشد. راوی کسی است که داستان را نقل می‌کند چه به صورت کتبی، چه به صورت شفاهی. راوی ممکن است به ظاهر خود نویسنده باشد یا نقل‌کننده داستان، در این صورت، به آن «صدا» می‌گویند. زاویه دیدهایی که نویسندگان برای نقل داستان انتخاب می‌کنند، انواع روایت و راوی را به وجود می‌آورد.

زاویه دید Point of View; View Point

زاویه دید، نمایش‌دهنده شیوه‌ای است که نویسنده به وسیله آن، مصالح و مواد داستان را به خواننده ارائه می‌کند و درواقع رابطه نویسنده را با داستان نشان می‌دهد. هر داستانی باید گوینده‌ای داشته باشد که موضوع را نقل می‌کند؛ این نقل موضوع ممکن است به شیوه اول شخص یا دوم شخص یا سوم شخص صورت بگیرد.

ساختار Structure

ساختار، حاصل روابط متقابل کلیه عناصری است که اثر را تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر، ساختار نتیجه ارتباط ضروری میان اجزای یک کل هنری است که موجب یکپارچگی اثر می‌شود و این یکپارچگی هرچه کامل‌تر باشد، بیشتر به اثر وحدت هنری می‌دهد.

سبک؛ اسلوب، شیوه نگارش Style

برای سبک یا اسلوب، تعریف‌های متعددی وجود دارد. بر حسب ساده‌ترین تعریف‌ها، سبک شیوه خاصی است که نویسنده برای بیان مفاهیم خود به کار می‌برد. به عبارت روشن‌تر اینکه نویسنده آنچه را می‌خواهد بگوید چگونه بیان کند. از این نظر سبک، به رسم و طرز بیان اشاره دارد و تدبیر و تمهیدی است که نویسنده در نوشتن به کار می‌گیرد؛ بدین معنی که انتخاب کلمه، ساختمان دستوری، زبان مجازی، تجانس حروف و دیگر الگوهای صوتی در ایجاد سبک دخیل هستند. بهترین سبک برای ارائه هر منظوری، آن است که تقریباً تطبیق کاملی میان زبان و افکار هر کس به وجود آورد. در واقع سبک ترکیبی از دو عنصر است: فکری که باید بیان شود و فردیت نویسنده. در مباحث جدیدتر سبک را انحراف یا تمایزی دانسته که در شیوه بیان هر کس، نسبت به دیگر شیوه‌های بیان وجود دارد. به عبارت دیگر، سبک یعنی انحراف از نرم یا هنجار بیان دیگران، به این معنا که سبک هر اثر با سنجش و در تقابل با اثر دیگر درک و مشخص می‌شود. سبک با مکتب ادبی فرق دارد.

شخصیت Character

اشخاص ساخته‌شده‌ای (مخلوقی) را که در داستان و نمایش و... ظاهر می‌شوند، شخصیت می‌نامند. مخلوق ذهن نویسنده ممکن است همیشه انسان نباشد و حیوان و شیء یا چیزی دیگر را نیز شامل شود. شخصیت، در اثر روایتی یا نمایشی، فردی است که کیفیت روانی و اخلاقی او، در عمل او و آنچه می‌گوید و می‌کند، وجود داشته باشد. خلق چنین شخصیت‌هایی را که برای خواننده در حوزه داستان تقریباً مثل افرادی واقعی جلوه می‌کند، شخصیت‌پردازی می‌خوانند.

شرح Exposition

شرح، عام‌ترین نوع نوشتن است. زیرا در هر امری که نیاز به فهمیدن دارد، تعریف واژه‌ای دادن نشانی خیابانی، تعریف ساختمان یک گیاه، سازوکار یک ساعت، انگیزه یک واقعه تاریخی و مفهومی فلسفه‌ای از «شرح» استفاده می‌شود. منظور از «شرح» توضیح چیزی است، غرض اطلاعات دادن است.

شکل Form

شکل، اصطلاحی است در نقد ادبی و آن نظم یا هیئتی است که برای بیان محتوای اثر هنری به کار می‌رود و به عبارت دیگر، روش و طرز تنظیم و هماهنگ کردن اجزای اثر هنری است یا به زبان ساده‌تر، روش ارائه اثر هنری است نه آنچه اثر می‌خواهد ارائه دهد که غالباً از آن به محتوا تعبیر می‌شود.

صورت: رجوع کنید به شکل

صحنه Setting

زمینه جسمانی (فیزیکی) و فضایی را که در آن عمل داستانی صورت می‌گیرد، صحنه می‌گویند. این صحنه ممکن است در هر داستان متفاوت باشد و عملکرد جداگانه‌ای داشته باشد. هر نویسنده‌ای صحنه را برای منظور خاصی به کار می‌گیرد.

ضدقهرمان Antihero

شخصیت یا قهرمان اصلی هر اثر ادبی، می‌تواند آدم معمولی نباشد و خصوصیات قراردادی (خصوصیاتی مثل اصیل‌زادگی، سلحشوری، آرمان‌گرایی و بی‌نیازی از مال و منال در قصه‌های سنتی و تشخص و ویژگی‌های مثبت شخصیت‌های اصلی داستان‌های امروزی) را نداشته باشد، این نوع شخصیت‌های داستانی را ضد قهرمان می‌خوانند؛ شخصیت‌هایی با ضعف‌ها و ناتوانی‌های عاطفی و خلقی مثل شخصیت رمان کوتاه «بوف کور» و خصوصیات و خلقیاتی خلاف عرف و عادت مرسوم زمانه. مثل شخصیت رمان «بیگانه» اثر آلبر کامو.

طرح؛ داستانواره Sketch

به هر قطعه‌ای که به توصیف شخصیتی، صحنه‌ای، حادثه‌ای واحد می‌پردازد، طرح یا داستانواره می‌گویند. طرح، خصوصیت و خصلتی خاص خود دارد که آن را از داستان جدا می‌کند. اختلاف اساسی طرح با داستان این است که طرح از کیفیت اوضاع و احوال حرف می‌زند و داستان از وقوع وقایع و وضعیت و موقعیت‌ها، طرح تأکیدش بر چگونگی چیزی و مکانی و شخصی است و واقعه، صحنه یا شخصیت واحدی را توصیف می‌کند، داستان بر آنچه قوع یافته یا اتفاق خواهد افتاد، تأکید می‌ورزد. از این‌رو، طرح به‌طور مشخصی جنبه توصیفی دارد و داستان رشته حوادثی را دنبال می‌کند.

عمل / حادثه؛ عمل داستانی Action

عمل یا عمل داستانی رشته متوالی حوادث و وضعیت و موقعیت‌های واقعی یا خیالی است که به موضوع ادبیات تخیلی چه داستان، چه شعر شکل می‌دهد و این رشته حوادث با هم، مقدمات پیرنگ را فراهم می‌آورد؛ گاه عمل یا عمل داستانی به معنای داستان اصلی نمایشنامه، فیلمنامه، قصه، داستان کوتاه، رمان و... است.

فرم: رجوع کنید به شکل

فضا و رنگ Atmosphere

اصطلاح فضا و رنگ از علم هواشناسی به وام گرفته شده و برای توصیف تأثیر فراگیر اثر خلاقه‌ای از ادبیات یا نمونه‌های دیگری از هنر به کار برده می‌شود. فضا و رنگ با حالت مسلط مجموعه‌ای سر و کار دارد که از صحنه، توصیف و گفت‌وگو آفریده می‌شود.

قهرمان (زن یا مرد) Hero; Heroine

قهرمان، شخصیت اصلی (زن یا مرد) در اثر داستانی است که مرکز توجه خواننده یا بیننده قرار می‌گیرد. قهرمانان با صفات برجسته و والای اخلاقی و معنوی و با

خصوصیت‌های تحسین‌برانگیز جسمی مشخص می‌شوند و در صورتی که شخصیت اصلی اثری چنین خصوصیتی را نداشته باشد، از او به عنوان ضدقهرمان یاد می‌شود.

کاراکتر: رجوع کنید به شخصیت

کشمکش Conflict

در ادبیات به مقابله شخصیت‌ها یا نیروهایی با هم، کشمکش می‌گویند. در داستان معمولاً شخصیتی در محور داستان قرار می‌گیرد و این «شخصیت اصلی» یا «قهرمان اول» با نیروهایی که علیه او برخاسته‌اند یا با او سر مخالفت دارند، به نزاع و مجادله می‌پردازد. این نیروها ممکن است اشخاص دیگر یا اجسام و موانع و آفات و بلا یا قراردادهای اجتماعی یا خوی و خصلت خاص خود شخصیت اصلی داستان باشد که با او سازگاری دارد.

گره‌افکنی Complication

گره‌افکنی، وضعیت و موقعیت دشواری است که بعضی اوقات به‌طور ناگهانی ظاهر می‌شود و برنامه‌ها، راه و روش‌ها و نگرش‌هایی را که وجود دارد، تغییر می‌دهد. در داستان، گره‌افکنی شامل جزئیات شخصیت‌ها و وضعیت و موقعیت‌هایی است که خط اصلی پیرنگ را متحول کند.

گره‌گشایی Denouement; Resolution

گره‌گشایی پیامد وضعیت و موقعیت پیچیده یا نتیجه نهایی رشته حوادث است. وقتی رویارویی نیروهای متقابل، بحران و بزنگاه را به وجود می‌آورد، گره‌گشایی نتیجه منطقی آنهاست و تحقق پیرنگ داستان.

گزارش Report

گزارش، شرح یا بیان توضیحی جزئیات وضعیت و موقعیت یا واقعه‌ای است. گزارش معمولاً بر پایه مشاهده و تحقیق یا هر دو این‌ها بنا می‌شود.

گفت‌وگو Dialogue

صحبتی را که در میان شخصیت‌ها یا به‌طور گسترده‌تر، در افکار شخصیت واحدی در هر کار ادبی صورت می‌گیرد، «گفت‌وگو» می‌نامند.

لحن Tone

لحن، طرز برخورد نویسنده نسبت به اثر است، به‌طوری که خواننده آن را حدس بزند، درست مثل لحن صدای گوینده‌ای که ممکن است طرز برخورد او را با موضوع و مخاطبش نشان بدهد.

محتوا Content

مفاد و مضمون یا مفهوم هر اثر هنری را محتوای آن می‌نامند. محتوا معمولاً در تقابل شکل به کار می‌رود. اگر شکل را به منزله ظرفی بگیریم، محتوا مظروف، یعنی آن چیزی است که ظرف را پر می‌کند. در مورد تعریف محتوا، اختلاف نظر بسیار است. بعضی آن را موضوع و بعضی درونمایه اثر هنری می‌دانند، اما محتوا عنصری بسیط نیست، بلکه ترکیبی است از درونمایه و موضوع و اعمال دیدگاه هنری خاصی که زاده طبیعت و جهان‌بینی هنرمند است.

مضمون: رجوع کنید به درونمایه

موتیو؛ موتیف: رجوع کنید به بن‌مایه

موضوع Subject

موضوع، شامل مجموعه پدیده‌ها و حادثه‌هایی است که داستان را می‌آفریند و درونمایه داستان را تصویر می‌کند.

وضعیت و موقعیت Situation

وضعیت و موقعیت، محل پیوند حادثه‌ها در لحظه خاصی از داستان است که کشمکش را به‌وجود می‌آورد. به عبارت دیگر، وضعیت و موقعیت دسته‌ای از حوادث ضمنی

است که در آن‌ها شخصیت، خصوصیت‌های خودش را کشف می‌کند؛ مثلاً وضعیت و موقعیت در داستان کوتاه «داش‌آکل» این است که جوانمردی پای‌بند به اعتقاداتش نمی‌داند با عشقی که به دختری به نام مرجان پیدا کرده چه کند، دختری که به امانت به او سپرده‌اند و بنا بر تعهد عیاری نمی‌تواند او را از آن خود کند و گرفتار آشفته‌گی‌های روحی و عاطفی می‌شود.

هول و ولا یا حالت تعلیق Suspense

هول و ولا یا حالت تعلیق کیفیتی است که نویسنده برای وقایعی که در شرف تکوین است، در داستان خود می‌آفریند و خواننده را مشتاق و کنجکاو به ادامه خواندن داستان می‌کند.

برگرفته از پیوست کتاب «عرق ریزان روح» اثر جمال میرصادقی (انتشارات نیلوفر)

منبع:

<http://zolaladab.blogfa.com/post/138>